



Comparative Interreligious Jurisprudence: Feasibility, Opportunities, and Threats

Mohammadreza Asadi  / Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, The Imam Khomeini Institute for Education and Research

asadi@iki.ac.ir

Received: 2024/08/17 - **Accepted:** 2024/11/13

Abstract

Different religions prescribe practical obligations for their adherents. The efforts of followers for a true understanding of religions have resulted in new studies and strategies. In Islam, knowledge of practical rulings and religious duties is termed “fiqh” (jurisprudence). This paper explores whether a comparative framework—“interreligious comparative jurisprudence”—can analyze Islamic and other religious legal systems and what the opportunities and threats of adopting such an approach to studying religious teachings are. Using analytical-inferential methods and library research, it concludes that such a framework is not only feasible through the argumentative jurisprudential comparison of rulings and practical teachings of religions, but also offers opportunities to promote Islamic principles globally, foster interfaith dialogue, and influence international law and global Muslim activities. However, there are risks and challenges that proponents must navigate to maximize benefits and mitigate harms.

Keywords: religious jurisprudence, comparative jurisprudence, interfaith rapprochement, comparative law, global legal organizations, international law.

نوع مقاله: پژوهشی

فقه مقارن بین‌الادیان؛ امکان‌سنجی، فرصت‌ها و تهدیدها

asadi@iki.ac.ir

محمد رضا اسدی  / استادیار گروه ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳

چکیده

ادیان گوناگون مجموعه‌هایی از تکالیف عملی را برای پیروان خود عرضه کرده‌اند که تلاش دین‌داران برای شناخت صحیح آنها سبب پدید آمدن سازوکارها و دانش‌هایی خاص شده است. دانش شناخت احکام عملی و تکالیف دینی در اسلام، «فقه» نامیده می‌شود. اکنون با تسامح در کاربست اصطلاح «فقه» برای دانش نظیر در دیگر ادیان، باید دید که آیا می‌توان میان فقه اسلام و ادیان دیگر مقایسه موازنه‌ای نمود و اتخاذ چنین رویکردی در مطالعه تعلیم ادیان چه فرصت‌ها و تهدیدهایی دارد؟ مقاله پیش رو پس از بررسی علمی لازم، با روش تحلیلی - استنباطی و با مطالعه کتابخانه‌ای نتیجه می‌گیرد که نه تنها چنین کاری در قالب «فقه مقارن بین‌الادیان» و از راه موازنه استدلالی احکام بر اساس مطالعه مقایسه‌ای تعلیم عملی ادیان با رویکرد فقهی امکان‌پذیر است، بلکه ورود به این عرصه می‌تواند فرصت‌های قابل توجهی را برای توسعه و ترویج گفتمان حق اسلام در سطح جهانی ایجاد کند و در عرصه‌هایی همچون تقریب ادیان، حقوق بین‌الملل و فعالیت‌های جهانی مسلمانان نتایج و فواید قابل توجهی در پی داشته باشد. با این وجود، تهدیدهای مهمی نیز در ورود به این عرصه وجود دارد که توجه به آنها از مهم‌ترین وظایف فعالان این حوزه برای پیشگیری از افت‌ها و آسیب‌های آن است.

کلیدواژه‌ها: فقه ادیان، فقه تطبیقی، فقه مقارن، تقریب، حقوق تطبیقی، سازمان‌های جهانی حقوقی، قوانین بین‌المللی.

مقدمه

ارتباطات بین‌ادیانی و مطالعات در زمینهٔ تعلیم ادیان سابقه‌ای طولانی دارد. بزرگان ادیان همواره در قالب گفت‌وگو، بحث، تبادل نظر، احتجاج، مناظره، تقریب، هم‌افزایی و مانند آن گرد هم آمده و تعلیم یکدیگر را مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند. نمونه‌های متعددی از این ارتباطات در تاریخ ادیان ثبت شده است (ر.ک: طبرسی، ۱۴۳۰ق؛ طاهری آکردی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۵-۳۳۹؛ اسدی، ۱۳۹۸، ص ۱۸۷-۳۴۸)؛ همچنین بسیاری از پژوهشگران به مطالعه و بررسی تعلیم ادیان پرداخته‌اند. محور برخی از این ارتباطات و مطالعات تعلیم ادیان، «باورها»، و محور برخی دیگر، «دستورها و احکام عملی» بوده است. در خصوص پرداختن به تعلیم عملی نیز رویکردهای گوناگونی وجود داشته است: برخی با رویکرد کلامی به سراغ آنها رفته‌اند؛ برخی با رویکرد عرفانی و برخی با رویکرد جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و مانند آن. بنابراین گاه موضوع واحدی با رویکردهای مختلف به بحث و گفت‌وگو گذاشته شده است. در این میان آنچه شاید کمتر بدان توجه شده، رویکرد «فقهی» در مطالعه و بررسی تعلیم عملی ادیان و مقایسهٔ آنها بوده است. از آنجاکه «فقه» دانشی با قواعدی مشخص و گاه مختص به خود است، کاربست رویکرد فقهی در مطالعهٔ تعلیم عملی ادیان مستلزم آشنایی و رعایت آن قواعد در هریک از مسائل و جزئیات آن، و به تبع، ارائهٔ استدلال‌های فنی معتبر در این علم است. با توجه به اینکه ادیان دیگری غیر از اسلام نیز دارای شریعت بوده و برای شیوه و حدود و ثغور عمل مؤمنان تکالیفی تعیین کرده‌اند، کار علمی تطبیقی میان فقه اسلام و فقه ادیان دیگر قابل بررسی است. اکنون باید دید که منظور از این رویکرد علمی در مطالعهٔ تعلیم ادیان چیست. آیا می‌توان میان فقه اسلام و فقه ادیان دیگر کار علمی - تطبیقی موازنه‌ای انجام داد و اساساً اتخاذ چنین رویکردی در مطالعهٔ تعلیم ادیان چه فرصت‌ها و تهدیدهایی دارد؟ در مقالهٔ پیش رو برای پاسخ به این پرسش‌ها ابتدا به امکان‌سنجی فقه مقارن بین‌الادیان پرداخته می‌شود و پس از بیان پیشینه، فرصت‌ها و تهدیدهای ورود به این عرصه بررسی خواهد شد.

پیشینه

در خصوص چستی فقه مقارن و محتوا و ویژگی‌های آن آثاری علمی تولید شده‌اند؛ اما قلمرو بحث در بیشتر این آثار، مذاهب اسلامی و نه ادیان بوده است. البته با توجه به اشتراک بعضی از مباحث این آثار با مباحث مورد نظر پژوهش پیش رو می‌توان از آنها با عنوان «پیشینهٔ عام» نام برد. بدیهی است که تناسب ماهوی این آثار نیز باید در نظر گرفته شود و از آنجاکه در این پژوهش نگاه پیرامونی و درجهٔ دوم به فقه مقارن بین‌الادیان وجود دارد، لازم است به آثاری اشاره شود که از این منظر به فقه مقارن پرداخته باشند؛ نه آنکه وارد مسائل محتوایی و درونی فقه مقارن شده باشند. با بررسی انجام‌شده در این خصوص می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

۱. مقارنۃ المذاهب فی الفقه نوشتهٔ محمود شلتوت، محمدعلی سائیس و فاضل موسوی جابری (۱۴۰۰ق)؛

۲. دائرةالمعارف فقه مقارن نوشتهٔ ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵)؛

۳. مقاله «فوائد فقه مقارن» نوشته ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۲):

۴. موسوعة الفقه الاسلامی المقارن نوشته ناصر مکارم شیرازی (۱۴۳۲ق):

۵. مناهج المؤلفین فی الفقه المقارن نوشته محمدحسن ربانی (۱۳۹۷):

۶. مقاله «درآمدی بر علم خلاف و فقه مقارن» نوشته محمدرضا جباران (۱۳۹۱):

۷. مقاله «درآمدی بر فقه مقارن» نوشته سیدمصطفی حسینی رودباری (۱۳۹۲).

تمایز مهم آثار یادشده با پژوهش حاضر این است که موضوع این آثار فقه مقارن بین مذاهب اسلامی است و در آنها به فقه مقارن بین ادیان پرداخته نشده است؛ از این رو هرچند بعضی از مباحث این آثار همچون تعریف فقه مقارن و فواید و ضرورت پرداختن به فقه مقارن برای پژوهش پیش رو مفید است، اما تقریباً هیچ گونه ورود مستقلی به مباحث فقه مقارن بین ادیان در آنها دیده نمی شود.

اما در خصوص آثار و فعالیت های علمی در زمینه «فقه مقارن بین ادیان» به عنوان پیشینه خاص پژوهش پیش رو، می توان به بعضی از آثار و تلاش های علمی اشاره کرد. «فقه مقارن بین ادیان» در پی مباحث «حقوق تطبیقی» مطرح شده است و با آن پیوندی وثیق دارد. اصطلاح «حقوق تطبیقی» نخستین بار در قرن هفدهم توسط بیکن، نویسنده انگلیسی، به کار برده شد و سپس در سال ۱۸۲۹م برای نخستین بار توسط میترمایر و زکریا کاربردی به واقع حقوقی پیدا کرد و به مطالعه حقوق خارجی اختصاص یافت. در پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، در فرانسه ریموند سالیل و دیگران قانون تطبیقی را به مثابه راهی برای نوسازی رویکرد متحجرانه و عمدتاً به عنوان ابزاری برای بهبود قوانین داخلی و دکتربین حقوقی در نظر گرفتند و در پایان قرن بیستم، بسیاری از محققان حقوقی در اروپا حقوق تطبیقی را ابزار لازم برای هماهنگی مطلوب حقوق در اتحادیه اروپا می دانستند (<https://www.bjutijdschriften.nl/tijdschrift/lawandmethod/2015/12/RENM-D-14-00001>). در حال حاضر، مونتسکیو به دلیل رویکرد تطبیقی ای که در کتاب روح قوانین به کار برده است، به عنوان «پدر حقوق تطبیقی» شناخته می شود.

در قرن بیستم این مفهوم به دلیل گسترش روابط تجاری و بازرگانی بین کشورها رایج شد و به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. انفجار روابط تجاری بین کشورها با ظهور مفهوم «جهانی شدن»، مطالعه این روش را برای درک قوانین و مقررات حقوقی سایر ملل بسیار مهم ساخت (<https://blog.ipleaders.in/importance-of-comparative-legal-studies>) و روش مقایسه ای به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. اولین نشست در سطح بین المللی در سال ۱۹۹۰م در پاریس برگزار شد و از آن به عنوان اولین کنگره بین المللی حقوق تطبیقی یاد شد که در آن، روش تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل و تأیید قرار گرفت. تصویب قوانین سایر کشورها، از طریق اجرا شدن اصول مقرر، آداب و رسوم، و قوانین سیاسی کشورها صورت می گرفت. به تدریج بررسی بنیان اساسی حاکم بر قوانین، بسیار

مهم شد؛ چراکه عرصه حقوق با قوانین مذهبی روبه‌رو بود؛ مانند قوانین هندو، قوانین اسلامی و قوانین منطقه‌ای مناطقی مانند ایالات متحده آمریکا و استرالیا (https://blog.iplayers.in/importance-of-comparative-legal-studies). سرانجام «فقه تطبیقی بین ادیان» نخستین بار توسط ویلیام ایوالد در دهه ۱۹۹۰م برای بازنگری در مبانی حقوق تطبیقی مطرح و دنبال گشت و پس از او آثاری - هرچند بسیار اندک - در این زمینه تولید شد. اکنون با بررسی انجام‌شده می‌توان به آثار ذیل به‌عنوان پیشینه خاص فقه مقارن بین‌الادیان اشاره کرد:

۱. مقاله «فقه تطبیقی (۱): آزمودن موش چگونه بود؟» نوشته ویلیام ایوالد (۱۹۹۵م)؛

۲. مقاله «فقه تطبیقی (۲): منطق پیوندهای قانونی» نوشته ویلیام ایوالد (۱۹۹۵م)؛

۳. مقاله «رویکرد فقهی به حقوق تطبیقی: راهنمای میدانی برای موش» نوشته ویلیام ایوالد (۱۹۹۸م).

ایوالد، نویسنده این آثار، که بازنگری در مبانی حقوق تطبیقی را دنبال می‌کرد، با انتشار نوشته‌هایی ایده فقهی جدیدی را مطرح می‌کرد که آثار فوق مهم‌ترین آنها هستند؛ اما باید توجه داشت که آثار او نیز در واقع مقالاتی تحلیلی از حقوق تطبیقی هستند که بیشتر بر ساختارهای استدلالی قواعد حقوقی و تبیین ضرورت توجه به آنها، در کنار پرداختن به متن یا حتی زمینه قواعد حقوقی، تمرکز دارند. هنگامی که ایوالد دست به چنین پژوهش‌هایی زد، مهم‌ترین بحث جاری میان حقوق‌دانان تطبیقی و مورخان حقوقی بررسی این مسئله بود که «متن» باید معیار باشد یا «زمینه»؟ «قانون در کتاب» یا «قانون در عمل»؟ اینها تنها گزینه‌های موجود بودند. اما تز او این بود که حقوق تطبیقی در وهله اول، نه با قانون در کتاب و نه با قانون در عمل، بلکه - به‌قول او - باید با «قانون در ذهن» درگیر شود.

ایوالد این مطالعات فلسفی و تاریخی را ابتدا در آلمان و سپس در ایتالیا دنبال کرد و زمانی که به دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا پیوست و از او خواسته شد که تدریس حقوق تطبیقی را بر عهده گیرد، پروژه «فقه تطبیقی» تا حدی به دلیل ضرورت‌های تدریس بر او تحمیل شد. بنابراین باید توجه شود که در این آثار و برخی از تحقیقات دیگر، مطالبی به‌طور پراکنده در خصوص ماهیت و برخی از ابعاد فقه مقارن بین ادیان وجود دارد؛ ولی هیچ یک از آنها با هدف و رویکرد تدوین درآمد یا فلسفه فقه مقارن بین ادیان تدوین نشده‌اند که بتوان همه یا دست‌کم مهم‌ترین مباحث پیرامونی این شاخه از فقه را در آنها ملاحظه کرد.

دیگر آثار موجود در زمینه فقه مقارن بین ادیان عبارت‌اند از:

۴. حقوق دینی تطبیقی: یهودیت، مسیحیت، اسلام نوشته نورمن دو (۲۰۱۸م)؛

۵. مقاله «فقه حقوق تطبیقی: جستاری در ورش‌شناسی» نوشته یوانا تورکوچوری (۲۰۱۷م)؛

۶. مقاله «حقوق تطبیقی و فقه» نوشته جفری ساموئل (۱۹۹۸م)؛

این آثار، البته حاوی مطالب خوبی در قلمرو مباحث پژوهش حاضر هستند و مباحثی از جمله ضرورت پرداختن به فقه و حقوق تطبیقی را تبیین می‌کنند؛ اما اینها نیز علاوه بر اینکه تنها به برخی مباحث مرتبط با پژوهش حاضر

پرداخته‌اند، بیشتر صبغه حقوقی دارند و صبغه فقهی آنها اندک است. بنابراین نمی‌توانند هدف پژوهش حاضر، یعنی بررسی مباحث پیرامونی فقه مقارن بین ادیان را به‌طور کامل تأمین کنند.

۷. فقه *الادیان* نوشته عبدالرحمن حمدی شافی (۲۰۱۳م):

در این اثر، تنها بحث مرتبط با پژوهش حاضر، منابع فقه ادیان ابراهیمی است و بقیه مباحثی همچون معنای دین، اصلحیت اسلام و بعضی مقارنات در خصوص برخی مسائل و موضوعات فقهی است که خارج از موضوع پژوهش ماست. بنابراین این اثر نیز هدف پژوهش حاضر، یعنی بررسی مباحث پیرامونی فقه مقارن بین ادیان را به‌طور کامل تأمین نمی‌کند.

۸. مسیحیت و اسلام (در قالب یک دین و شریعت‌های متفاوت) نوشته لینه حمصی (۱۳۹۳):

در این اثر، منابع مسیحی همچون شوراهای جهانی و سازوکار و اعتبار آنها و دیگر مصادر عقیده مسیحیت مورد بحث قرار گرفته و از این‌رو هدف پژوهش حاضر، یعنی بررسی مباحث پیرامونی فقه مقارن بین ادیان، همچون تبیین چپستی و ضرورت آن، در این اثر نیز به‌طور کامل تأمین نشده است.

۹. *المقارنات والمقابلات بین احکام المرافعات والمعاملات والحدود فی شرع الیهود ونظائرهما من الشریعة الاسلامیة الغراء ومن القانون المصری والقوانین الوضعیة الأخری* نوشته محمد حافظ (۲۰۱۷م).

در این کتاب، نگارنده با مطالعه عینی و با رویکرد پژوهشی واقع‌بینانه، چندین مقاله را در فصول مختلف کتاب ارائه می‌کند و از طریق آن به بررسی احکام و قوانین مربوط به فقه و حدود یهودیت و اسلام از منظر قانون کشور مصر می‌پردازد. این اثر نیز به‌رغم محاسنی که دارد، افزون بر اینکه به زبان عربی است و در آثار فارسی نظیر آن یافت نشده، اساساً در راستای هدفی هم که پژوهش حاضر دنبال می‌کند، نگاشته نشده است و مباحث پیرامونی فقه مقارن بین ادیان، از قبیل چپستی و ضرورت آن را مورد بررسی قرار نمی‌دهد؛ همچنین دامنه بحث این کتاب محدود به دو دین یهودیت و اسلام بوده و از سایر ادیان در آن سخن گفته نشده است. این در حالی است که مقاله پیش رو در صدد امکان‌سنجی و بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای بحث مقارنه‌ای میان دین اسلام و سایر ادیان است. همچنین در مقاله پیش رو بحث‌ها ناظر به قوانین کشوری خاص و بررسی آن نیست و کار مقارنه‌ای در میان منابع فقهی اسلام و ادیان دیگر پی گرفته خواهد شد.

بدین ترتیب در جست‌وجوی انجام‌شده، پژوهش مستقلی در خصوص چپستی و ضرورت فقه مقارن بین ادیان، به‌ویژه با گستره بحث‌های مورد نظر پژوهش پیشنهادی پیش رو، یافت نشده است. تفاوت و امتیاز پژوهش پیش رو این است که با بررسی مستقل موضوع و در قالب یک مقاله علمی به بیان چپستی فقه مقارن بین ادیان خواهد پرداخت و با تشریح اهداف و فواید این کار، ضرورت آن را تبیین و بستر و زمینه ورود به این عرصه را فراهم می‌سازد. با توجه به ورود اندک فقها به عرصه فقه مقارن، آن هم در سطح بین‌ادیانی، و نظر به ضرورت ورود جدی‌تر و گسترده‌تر به این حوزه، پژوهش پیش رو می‌تواند در توسعه بحث‌های مقارنه‌ای و پویاتر کردن این عرصه مفید باشد.

۱. امکان‌سنجی فقه مقارن بین‌الادیان

«فقه» در لغت به معنای علم به چیزی و فهم آن بوده (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ماده «الفقه») و در اصطلاح عبارت است از «علم به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی آن» (ابن‌شهیید ثانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۸). فقه دانشی برای به‌دست آوردن احکام عملی یا تکالیف دینی است. موضوع علم فقه، افعال اختیاری مکلفین بوده و هدف از تدوین آن، ارائه مسائلی برای سامان بخشیدن به زندگی دنیوی مکلفین و سعادت اخروی آنان است. امام خمینی^ع علم فقه را به «قانون زندگی و معاد و راه رسیدن به قرب پروردگار بعد از علم به معارف» تعریف می‌کند (موسوی خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۲) و درباره اهمیت و جایگاه علم فقه می‌فرماید: «این علم، تتوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۸۹).

شاخه‌ای از علم فقه به نام «الخلافيات» یا «فقه الخلاف» از دیرباز مورد توجه فقها بوده که اهتمام آن ارائه آرا و دیدگاه‌های مختلف فقها در کنار یکدیگر است (نجفی کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ص ۴۳؛ حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۱۳). این شاخه از علم پس از کامل شدن در دوره‌های بعدی و افزوده شدن رسالت «گزینش استدلالی رأی صحیح» به «فقه مقارن» معروف شد. بنابراین فقه مقارن که گاه از آن به «فقه تطبیقی» نیز تعبیر می‌شود، بر گونه‌ای از عرضه فقه اطلاق می‌گردد که اهتمام آن، علاوه بر ارائه آرا و دیدگاه‌های مختلف فقها در کنار یکدیگر، ذکر دلیل هر فتوا و در نهایت، گزینش و ترجیح نظریه درست با برهان و دلیل است (ربانی، ۱۴۴۰ق، ص ۱۲). بر این اساس و با توجه به اینکه در فقه مقارن رایج، آرای مختلف مذاهب اسلامی با یکدیگر مقایسه و موازنه می‌شود، «فقه مقارن بین‌المذاهب» دانشی خواهد بود که به بررسی تطبیقی آرای فقهی مذاهب اسلامی - بدون تعصب فرقه‌ای - می‌پردازد و در آن، از روی استدلال، از برترین دیدگاه دفاع می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۹-۱۰). به این ترتیب، فرق «فقه» و «فقه مقارن» در این است که فقه بر خود «احکام شرعی» تمرکز دارد و هدفش پیدا کردن حکم صحیح از ادله است؛ اما فقه مقارن بر «آرای مجتهدین» از جهت اختلاف، موازنه و ترجیح آنها متمرکز است (رضوانی، ۱۳۸۹، ص ۳۰). فقه مقارن بین‌المذاهب موجب آگاهی از آرای فقهی سایر مذاهب، شناخت مشترکات و اختلافات، و درک بهتر روایات اهل‌بیت^ع و آرای شیعی خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۸۴). ناگفته نماند که گاه «فقه مقارن» در همان معنای «فقه الخلاف» به کار می‌رود و به‌صرف ارائه آرا و دیدگاه‌های مختلف فقها در کنار یکدیگر بدون ترجیح استدلالی و گزینش رأی برتر اطلاق می‌شود.

ادیان دیگری غیر از اسلام نیز هستند که دارای شریعت‌اند و برای شیوه و حدود و ثغور عمل مؤمنان تکالیفی تعیین کرده‌اند. بی‌تردید شناخت و بیان این احکام در حوزه‌های مختلف و در شرایط گوناگون بر اساس اصول و قواعد مشخص و مورد قبول آن دین انجام می‌شود. این دانش در گفتمان اسلامی «فقه» نام گرفته و ممکن است در هر یک از ادیان دیگر نامی دیگر داشته باشد؛ اما از آنجاکه چنین دانشی در ادیان دیگر، نظیر علم فقه اسلامی است و رسالتی مشابه را دنبال می‌کند، می‌توان با کمی تسامح بر آنها نیز عنوان «فقه» را اطلاق کرد؛ مانند «فقه یهود».

به این ترتیب می‌توان میان فقه اسلام و فقه ادیان دیگر کار علمی تطبیقی انجام داد. این کار تطبیقی می‌تواند صرفاً برای آشنایی و شناخت بیشتر جزئیات و کشف نقاط اشتراک و افتراق آنها باشد و می‌تواند گامی فراتر از این سطح باشد و با هدف مقارنه و ترجیح نظر برتر از طریق استدلال در صورت امکان صورت گیرد. این رسالت همان رسالت فقه مقارن است و چون اطراف مقارنه در این فرض، «ادیان مختلف» هستند، می‌توان سخن از «فقه مقارن بین‌الادیان» به میان آورد. این شاخه از فقه، با توجه به هدف اصلی مشترک این دانش در ادیان مختلف (استخراج و بیان احکام و تکالیف عملی مؤمنان از منابع دین) و نیز وجود بعضی از منابع، اصول و قواعد مشترک یا دست کم مشابه میان آنها (از قبیل عقل، عرف، سیره عقلا، مصلحت و رأی عالمان) ممکن و قابل پیگیری است.

البته پوشیده نیست که این دانش با قرابت محسوس به فقه اسلامی تنها در یهودیت قابل مشاهده است و در سایر ادیان، با آنکه طرق و قواعدی برای فهم احکام عملی تدارک شده، در مقایسه با دانش‌های مبسوط نظیر در اسلام و یهودیت، سخنی جدی در این زمینه وجود ندارد؛ همچنین باید به قلمرو جهانی یا قومی ادیان که در اهداف، رویکردها، ساختار و محتوای این دانش در ادیان مختلف اثر می‌گذارد نیز توجه داشت. فقه اسلام که به جهانی بودن خود تصریح دارد و دامنه احکام و تعالیم خود را به همه انسان‌ها توسعه می‌دهد، با دیگر ادیان - مانند یهودیت - که بر قومی و محدود بودن خود اذعان و تأکید دارند (<https://www.britannica.com/topic/Jew-people>)، تفاوت‌های جدی دارد که لازم است در کار مقارنه‌ای مورد توجه باشد.

همچنین ذکر این نکته لازم است که استفاده از اصطلاح «مقارن» در عنوان بحث، مفید و ضروری است و عنوان «فقه بین‌الادیان» برای اشاره به ماهیت این کار علمی کافی نیست؛ چراکه «فقه بین‌الادیان» عام است و شامل کار مقایسه‌ای بدون تلاش برای ترجیح استدلالی نیز می‌شود. بنابراین مناسب و لازم است که از عنوان «فقه مقارن بین‌الادیان» استفاده شود تا جنبه تلاش محقق در این کار برای ترجیح استدلالی نیز در نظر گرفته شود. در فقه مقارن بین‌الادیان تلاش می‌شود که با بررسی مقایسه‌ای عناصر مشترک و مشابه در ادیان، زمینه ارزیابی محتوای فقه در هر دین نسبت به دیگر ادیان فراهم شود.

بدیهی است جای این پرسش مهم نیز وجود دارد که آیا اساساً چنین کاری از اهمیت کافی برخوردار است و انجام آن با وضعیت کمی و کیفی پژوهش‌های موجود مربوط به آن ضروری است یا خیر؟ چراکه هر موضوع و مسئله‌ای را به‌صرف اینکه قابل تحقیق است، نباید در دست بررسی و فرایند علمی، آن هم به‌طور گسترده، قرار داد. در انتخاب موضوع کار علمی، باید به ضرورت مسئله توجه داشت تا اگر واجد ارزش و اهمیت کافی نیست، برای آن انرژی، وقت و بودجه بیهوده صرف نشود (نبوی، ۱۳۶۷، ص ۶۵).

۲. اهداف

فقه تطبیقی با توجه به شرایط گوناگون قابل فرض، ممکن است با اهداف متفاوتی پی گرفته شود. برخی از اهدافی که برای حقوق تطبیقی بیان می‌شود، می‌تواند از اهداف فقه تطبیقی نیز به‌شمار آید. برای نمونه، پاتریک گلن اهدافی

برای حقوق تطبیقی بیان کرده است؛ از قبیل: ۱. ابزاری برای یادگیری و دانش (اطلاعات در مورد قانون در جاهای دیگر و درک بهتر آن)؛ ۲. ابزاری برای علم تکاملی و طبقه‌بندی (تحولات رایج، تغییرات دیاکرونیک به معنای تغییراتی که در طول زمان در چیزی به وجود می‌آید، و خانواده‌های حقوقی)؛ ۳. کمک به نظام حقوقی خود (درک بهتر آن، از جمله مقاومت سنت‌های آن، بهبود آن، و استفاده از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای تفسیر قانون اساسی)؛ ۴. هماهنگ‌سازی قوانین (توئینینگ، ۲۰۰۷م، ص ۸۹-۶۹).

بالین حال می‌توان هدف اصلی فقه مقارن بین‌ادیان را «موازنه استدلالی احکام بر اساس مطالعه مقایسه‌ای تعالیم عملی ادیان با رویکرد فقهی» دانست. البته در تلاش برای رسیدن به این هدف، موارد دیگری نیز دنبال می‌شود که هر یک از آنها می‌تواند از اهداف فرعی این پژوهش به‌شمار آید. این موارد عبارت‌اند از:

۱. کسب اطلاعات و افزایش دانش: فقه تطبیقی به‌عنوان راهی برای یادگیری دستورهای ادیان دیگر، به افزایش دانش و اطلاعات درباره احکام دیگر ادیان و درک بهتر آنها کمک می‌کند؛

۲. بهبود آموزش و پژوهش: بی‌تردید تکمیل اطلاعات درباره ابعاد یک دین، به حصول درک کامل‌تری از آن کمک شایانی می‌کند که هم می‌تواند به دقیق‌تر شدن تحقیقات بینجامد و هم دامنه آموزش را توسعه دهد و به این ترتیب به بهبود آن کمک کند؛

۳. ایجاد امکان طبقه‌بندی و مشاهده سیر تکاملی و تحولات محتمل در شرایع ادیان: بررسی تطبیقی احکام می‌تواند با ایجاد نظم و دسته‌بندی علمی مناسب و فراهم کردن امکان مشاهده سیر تحولات احکام، به تحلیل دقیق‌تر و واقعی‌تر در خصوص ادیان، منشأ آنها، تأثیر و تأثر آنها از یکدیگر و مباحثی از این دست، کمک کند؛

۴. کمک به نظام فقهی خود و بهبود آن با درک بهتر آن از طریق بررسی مقایسه‌ای و استفاده از نکات مثبت موجود در نظام‌های فقهی دیگر ادیان: این هدف فرعی نیز مهم است؛ چراکه جبران نواقص، با آگاهی از نقاط قوت و ضعف یکدیگر امکان‌پذیر است. آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی فرمایشی در عرصه فقه مقارن بین مذاهب اسلامی دارند که در خصوص این قسمت از بحث ما نیز صادق است. ایشان می‌فرمایند:

هر مغزی جرقه‌ای از علم دارد؛ چه شیعه باشد و چه سنی باشد. اگر متعصبانه و تنگ‌نظرانه به افراد نگاه نکنیم، هر مغزی جرقه‌ای دارد. ما در بسیاری از مسائل با مذاهب دیگر مشترکیم. وقتی فقه آنها را در کنار فقه خودمان مطالعه کنیم، جرقه‌های فکری در مسائل مشترک که در میان آنهاست، ما هم از آنها استفاده می‌کنیم؛ یا در میان ما، در مذهب ما جرقه‌هایی باشد، آنها استفاده می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۸۴).

این سخن در عرصه فقه مقارن بین‌الادیان نیز صادق است و ممکن است استدلال یا برداشتی از یک غیرمسلمان ارائه شود که حتی بتوان از آن در استنباط احکام اسلامی استفاده کرد. برای نمونه، از آنجا که «عقل» از منابع فقه شیعه و یکی از ادله اربعه است، ممکن است یک استدلال عقلی مطرح‌شده در یکی از ادیان، برای فقهای اسلامی نیز مفید باشد؛

۵. تعمیق ایمان و اطمینان مسلمانان: معرفی مزایا، برتری و جامعیت شریعت اسلام نسبت به شرایع دیگر به مسلمانان می‌تواند گامی در جهت تعمیق ایمان و اطمینان آنان به اسلام باشد؛ چراکه اهمیت و برتری فقه اسلامی و آموزه‌های قرآن و سنت نبوی و مکتب اهل بیت (ع) و گستردگی و جامعیت آنها هنگامی روشن می‌شود که با شرایع موجود مقایسه شود. این مقایسه بسیار آموزنده بوده و برای مسلمانان جهان مایه افتخار است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۵۸۷)؛

۶. دفاع از دیدگاه‌های اسلام در برابر هجمه‌ها: آگاهی از جزئیات تعلیم ادیان به شیوه مقایسه و موازنه، می‌تواند امکان دفاع عالمانه از دیدگاه‌های اسلام در برابر هجمه‌های غیرمسلمانان را فراهم سازد؛

۷. اثرگذاری در نظام‌های فقهی و حقوقی جوامع دینی و سیاسی دیگر و در نهایت قوانین جهانی: شناساندن مزایای نظام فقهی و حقوقی اسلام به مجامع بین‌المللی و بین‌الادیانی می‌تواند بسترساز استفاده از آنها در قانون‌گذاری‌های بین‌المللی و دست‌کم در سطح ملی بعضی از کشورها شود؛ چراکه بر اساس روایات، اگر غیرمسلمانان با زیبایی‌های تعلیم اسلام آشنا شوند، مجذوب آنها می‌شوند و آنها را می‌پذیرند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۲۹؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۰۷). این فعالیت تطبیقی با پرهیز از تنگ‌نظری، امکان درک عمیق‌تر از نظام حقوقی دین خود و دیگر ادیان را ایجاد می‌کند و می‌تواند به دستیابی به اصول مشترک نظام‌های مختلف حقوقی منتهی شود. در حقیقت، فقه مقارن و بررسی تطبیقی قوانین می‌تواند به شناسایی قانون بهتر کمک کند؛ چراکه این مقایسه می‌تواند با تحلیل مزایا و معایب ملاک‌ها و سازوکارهای قانونی نقش مهمی در رسیدن به عملکرد بهتر در جعل قوانین داشته باشد. این اقدام می‌تواند به صورت «یکسان‌سازی قوانین» در سطوح مختلف دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی جلوه کند یا دست‌کم به صورت «استفاده جایگزین قوانین»، در جایی که اجرای قانونی اصلی ممکن نباشد، خود را در جوامع مختلف نشان دهد؛

۸. درک حقوق بین‌الملل: فقه مقارن و حقوق تطبیقی به آگاهی و درک حقوق بین‌الملل و در پی آن، همکاری قوی بین‌المللی کمک می‌کند. احکام حقوقی زیادی وجود دارد که کشورهای مختلف را برای عملکردی واحد به هم پیوند می‌دهد. حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی، حقوق بشردوستانه، حقوق جنگ، حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق بین‌الملل پناهندگان برخی از نمونه‌ها هستند؛

۹. تقویت ارتباطات: با مطالعه تطبیقی احکام عملی در ادیان و کشف نقاط اشتراک و افتراق همراه با درک نقاط قوت و ضعف ادیان، زمینه مساعدتری برای آشنایی بیشتر ادیان از یکدیگر و شناخت و داوری بهتر درباره یکدیگر حاصل می‌شود که در نهایت می‌تواند به تقویت قابل توجه ارتباطات و تقرب بین ادیان منتهی شود. همچنین بخشی از این ارتباطات ممکن است در اثنای کار و دادوستدهای علمی اتفاق بیفتد؛

۳. فرصت‌ها

اگر فقه مقارن بین‌الادیان با اهداف یادشده دنبال شود، نتایجی خواهد داشت که بی‌تردید، هم برای جامعه جهانی و هم برای مسلمانان مفید و ارزشمند است. مرور این فواید می‌تواند زمینه ورود جدی‌تر پژوهشگران به عرصه فقه مقارن بین‌الادیان را فراهم کند. مهم‌ترین فواید ورود به این عرصه را می‌توان به شرح ذیل ذکر کرد:

۳-۱. تقریب ادیان با آگاهی‌بخشی و رفع یا کاهش سوءتفاهم، کدورت و نزاع ادیان

منشأ بسیاری از اتهامات، کدورت‌ها یا نزاع‌های بین‌الادیانی، سوءتفاهم و عدم آگاهی کافی اطراف نزاع از عقاید و اعمال یکدیگر است. از این‌رو ضروری است که با فراهم شدن زمینه‌آشنایی بیشتر مردم با حقیقت تعالیم ادیان، چنین سوءتفاهم‌هایی که عامل حقیقی آنها دین نیست، برطرف شود. برای نمونه، یکی از این اتهامات که به «تهمت خون» (Blood Accusation) معروف است، اتهامی به یهودیان است (توروی، ۲۰۰۸، ۳؛ چانس، ۲۰۰۴، ۳۴-۴۵؛ کلدیش، ۲۰۰۸، ۸) که آنها کودکان غیریهودیان (جنتیل) را می‌دزدند و می‌کشند تا از خون آنها در بخشی از مناسک مذهبی خود در جریان عید پسح استفاده کنند (گنیل، ۱۹۰۱، ۹؛ داندس، ۱۹۹۱، ۲۷؛ زیتلین، ۱۹۹۶، ۱۲۱). این شائبه و اتهام به یهودیان همواره یکی از علل تنفر مردم از یهودیان بوده و این تنفر، گاه به تنفر از آیین یهودیت منتهی شده است. مسیحیان گاه به این علت که شریعت اعمال را کنار گذاشته‌اند، متهم می‌شوند به اینکه آزادند هر عملی را که مایل‌اند انجام دهند و آیین مسیحیت حد و مرزی برای رفتارهای آنان معین نکرده است؛ این در حالی است که نفی شریعت اعمال در مسیحیت، به معنای آزادی کامل و افسارگسیخته فردی و اجتماعی مسیحیان نیست و مسیحیان نیز به‌نوبه خود در قالب اخلاق و با محوریت شریعت ایمان، پایبندی به این مسائل را لازم و مخالفت با آنها را جرم و گناه اخلاقی می‌دانند (تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، بند ۱۴۲۲، ص ۴۰۷). آیین «توبه» در مسیحیت نیز ناظر به همین واقعیت است.

زرتشتیان نیز گاه مورد انتقادهایی در خصوص ازدواج، مراسم آیینی و مانند آن واقع شده‌اند که از نظر خودشان صرفاً اتهام هستند. برای نمونه، کتاب *پاسخگویی به اتهامات* در راستای پاسخ به چنین انتقادهایی نوشته شده است. این کتاب در ۳۵ سال پیش توسط برخی موبدان زرتشتی با هدف آشکار کردن باورهای نادرست در جامعه و بیان ضرورت نیاز به آموزش و شناخت دین زرتشت به نگارش درآمده است. در پیشگفتار این کتاب آمده است:

در درازای این چندهزارساله که از بعثت اشوزرتشت، پیامبر راستین می‌گذرد، دشمنان و بدخواهان این آیین و آنهایی که به سرشت آموزش‌های دین مزدیستا پی نبردند، از روی دشمنی و یا نادانی و نداشتن آگاهی از باورها و سنت‌های ایران باستان، در نوشته‌ها و کتاب‌های خود به پدران نامدار ما و به دین مزدیسنی اتهام زده‌اند. این کتاب نوشتاری دربارهٔ مراسم آیینی زرتشتیان و شناساندن آنها به همکیشان و هم‌میهنان گرامی و همچنین پاسخگویی به اتهامات نسبت داده شده است (اردشیر آذرگشسب و مهرانگیز شهزادی، ۱۳۹۶، پیشگفتار).

ویراستار کتاب یادشده نیز در دیباچه آن نوشته است: «ای کاش ما انسان‌ها از دین یکدیگر شناخت بهتری داشتیم تا هر نوشته و گفته نابخردانه‌ای را باور نمی‌کردیم و پیروان آن دین، ناچار به دفاع و رد اتهامات نمی‌شدند. هرچه دین کهن‌تر باشد، آشنایی و شناخت از آن کمتر است؛ از جمله دین زرتشت».

اسلام نیز از هججه‌های این اتهامات در امان نبوده و گاه و بی‌گاه شاهد نسبت‌هایی نادرست است. برای نمونه، گاه با تحریف آموزه جهاد، مسلمانان متهم می‌شوند که بر اساس دینشان باید غیرمسلمانان را بکشند و بدین منظور همواره باید با کفار بجنگند. دشمنان اسلام تلاش کردند که این اتهام را با نشان دادن چهره داعشی از اسلام تقویت کنند.

بدین ترتیب، از نظر ادیان، برخی نسبت‌هایی که به آنها داده می‌شود، سوءتفاهمی بیش نیست و اگر مجالی برای توضیح آن تعالیم پیدا شود، امکان رفع سوءتفاهم‌ها یا دست‌کم کاهش آنها وجود دارد. فقه مقارن بین‌الادیان عرصه‌ای برای مطالعه تعالیم ادیان در کنار یکدیگر و به‌صورت مقایسه‌ای است تا بستر آگاهی از حقیقت تعالیم ادیان و تقریب آنها فراهم شود. در این میان لازم است که مسلمانان حضور جدی‌تری در این عرصه داشته باشند؛ زیرا بسیار مهم است که تعالیم اسلام ناب از مسیر صحیح و از جانب خود مسلمانان و عالمان اسلامی به غیرمسلمانان منتقل شود؛ چراکه منشأ بسیاری از سوءتفاهم‌ها، تحریف تعالیم ناب اسلامی و ورود آنها به جوامع غیراسلامی از مسیرهای نادرست بوده است. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «رحمت خدا بر آن بنده‌ای باد که ما را محبوب مردم کند و منفور آنان نکند. هان! به خدا سوگند، اگر سخنان زیبای ما را روایت می‌کردند، ارجمندتر بودند و هیچ کس نمی‌توانست به آنان وصله‌ای بچسباند؛ اما یکی از آنان جمله‌ای [از ما] را می‌شنود و ده جمله دیگر [از پیش خود] به آن اضافه می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۲۹).

۳-۲. کشف نواقص و معایب قوانین جهانی و تلاش علمی برای بهبود و اصلاح آنها با هم‌افزایی ادیانی

از مهم‌ترین فواید ورود به عرصه فقه مقارن بین‌الادیان، فراهم کردن زمینه بهبود و اصلاح قوانین نادرست یا ناقص جهان امروز است. فقه مقارن بین‌الادیان می‌تواند زمینه‌ای جدی برای حقوق تطبیقی، و در نتیجه، اتخاذ تصمیم‌های درست و اصلاح قوانین در جهان باشد. در جهان امروز، حقوق تطبیقی راهی برای ایجاد یک پایه اساسی برای اصلاح قوانین است. ارتباط بین بخش‌های گوناگون کشورهای مختلف فضایی را ایجاد کرده و در آن فضا اجماع بین کشورها در جنبه‌های مختلف اهمیت یافته است. مسائل مهمی مربوط به اقتصاد، تجارت (به‌ویژه تجارت الکترونیک)، فناوری‌های ارتباطی مدرن، اکتشافات فضایی و مانند آن وجود دارد که در آن، اجماع بین‌المللی بسیار مهم است و برای چنین توافقاتی، آگاهی از قوانین و مقررات کشورهای مختلف - که بسیاری از آنها برگرفته از باورها و احکام دینی آن جوامع است - نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. قوانین به طرق مختلفی در حال تکامل و توسعه‌اند. مقایسه قوانین ملل یا حتی فرهنگ‌های مختلف، راه مؤثری را برای تدوین قوانین به‌شیوه‌ای بهتر فراهم می‌کند؛ اما از آنجاکه منشأ بسیاری از قوانین حقوقی، تعالیم دینی خاص است و چون تغییر آنها ممکن است به معنای نادیده گرفتن دین تلقی شود، قوانین به‌دشواری تغییر می‌کنند. تنظیم و تغییر قوانین حقوقی باید از بازخوانی دین و نظام فقهی و شرعی آن آغاز شود (<https://blog.ipleaders.in/importance-of-comparative-legal-studies>).

روش مقایسه‌ای و مقارنه‌ای برای درک نظام فقهی و حقوقی کشور خود و کشورهای دیگر، بستر ایجاد تعادل در سطح جهانی را فراهم می‌کند. در مواردی این امر در عمل نیز محقق شده و موضع‌گیری‌های قابل توجهی در خصوص فقه و احکام اسلامی اتخاذ شده است. مارسل بوازار، دانشمند سوئیسی، در کتابش می‌نویسد: «در قرون وسطی هر موقع رکودی در قوانین مسیحیت روی می‌داد، صاحب‌نظران از فقه و حقوق اسلامی استفاده می‌کردند و در قرن

سیزدهم میلادی در چند دانشگاه اروپا، مبانی فقه اسلامی را مورد پژوهش قرار می‌دادند» (بوازار، ۱۳۶۱، ص ۲۴۴). وی همچنین می‌نویسد: «اکنون در جهان مسیحیت گرایش به‌سوی قوانین الهی پیدا شده و به موضع مسلمانان نزدیک شده‌اند؛ زیرا به تجربه دریافته‌اند که تنها احکام ثابت الهی است که از هوا و هوس ستمگران و زورمندان و نفوذ قدرت و پول، آسیب نمی‌بیند» (بوازار، ۱۳۶۱، ص ۲۴۷). از این‌رو در سال ۱۹۳۲م فقه اسلامی با جلب نظر حقوق‌دانان جهان، در کنگره هلند، به‌عنوان یکی از قوانین مقارن معرفی شد؛ در سال ۱۹۳۷م در سمینار قانون مقارن لاهه، شریعت اسلامی به‌عنوان یکی از مصادر قانون‌گذاری اروپا برگزیده شد و در سال ۱۹۴۸م همه حقوق‌دانان در سمینار بین‌المللی لاهه، به اتفاق آراء، فقه و حقوق اسلامی را به‌عنوان منبع قانون مقارن در قطعنامه خود تصویب کردند (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶)؛ همچنین در سال ۱۹۵۱م، مجمع بین‌المللی حقوق مقارن هفته‌ای را به نام «فقه اسلامی» نام نهاد و اعلام کرد: در فقه اسلامی، میراث عظیمی از مفاهیم و معلومات حقوقی وجود دارد که صلاحیت پاسخگویی به همه نیازهای زندگی جدید را داراست. در سال ۱۹۷۲م در سمینار بین‌المللی دمشق پیشنهاد شد که کشورهای اروپایی در تشریع و قانون‌گذاری خود، از قوانین اسلامی استفاده کنند (قلعه‌جی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵ و ۶). در دوران معاصر، تحقیقات فقهی و حقوقی تطبیقی اهمیت بیشتری یافته است؛ چون همگان دریافته‌اند که هرچه محقق رویکرد مقایسه‌ای بیشتری اتخاذ کند، نتیجه دقیق و مشخص‌تری به‌دست می‌آید و از این‌رو وقتی کسی تلاش می‌کند که نظام حقوقی خود را بهبود بخشد، چه در جایگاه قانون‌گذار و چه به‌عنوان یک دانشمند، نگاه به آن سوی مرزها بدیهی و اجتناب‌ناپذیر است (https://www.bjutijdschriften.nl/tijdschrift/lawandmethod/2015/12/RENM-D-14-00001).

روش مطالعه تطبیقی در دو دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه مطالعه تطبیقی، به دانشجویان و متخصصان اجازه می‌دهد که ساختار درونی هر نظام حقوقی را کشف کنند و قوانین و سیاست‌های جدید را با تجزیه و تحلیل ساختارهای حقوقی موجود ملل و فرهنگ دیگر به‌شیوه‌ای بهتر توسعه دهند. بنابراین مطالعه تطبیقی در فقه ادیان به‌عنوان مبنای بسیاری از نظام‌های حقوقی ضروری است.

۳-۳. زمینه‌سازی برای ورود آگاهانه و مقتدرانه مسلمانان به سازمان‌ها و مراکز تأثیرگذار ادیانی در جهان

فایده پرداختن به فقه و حقوق تطبیقی وقتی بهتر درک می‌شود که بدانیم در حال حاضر سازمان‌ها و مراکز جهانی متعددی در حال فعالیت در این زمینه هستند و مسلمانان هم می‌توانند نظام فقهی و حقوقی اسلام را برای معرفی و پیگیری اجرایی آن در سطوح مختلف و حتی جهانی به این مراکز ارائه کنند. این در حالی است که سطح ورود مسلمانان به این سازمان‌ها و اثرگذاری‌های ایشان بر قوانین بین‌المللی به‌هیچ‌روی کافی نیست. هم‌اکنون شماری از سازمان‌های جهانی وجود دارند که در جهت نزدیک کردن ادیان و اثرگذاری در قوانین مدنی کشورها فعالیت می‌کنند و به‌طور کلی قرن بیست و یکم شاهد ماهیت توسعه‌یافته‌تری از فقه و حقوق تطبیقی بوده است. فرهنگ‌ها، حقوق بین‌الملل عمومی، سنت‌های حقوقی و دیپلماسی به‌عنوان ابعاد جدیدی برای مطالعه و مقایسه در نظر

گرفته می‌شوند (<https://blog.ipleaders.in/importance-of-comparative-legal-studies>) و اکنون نشست‌ها و همایش‌های مهمی در خصوص فقه و حقوق تطبیقی در سطح جهانی برگزار می‌شود. از باب نمونه به چند سازمان و مرکز مهم در این زمینه اشاره می‌شود:

۱-۳-۳. سازمان ادیان متحد

«سازمان ادیان متحد» (UNITED RELIGIONS)، به‌عنوان یک سازمان بین‌دولتی، هدف عالی خود را فراهم کردن یک انجمن برای نزدیک شدن ادیان و فرهنگ‌ها معرفی می‌کند. اهداف خرد این سازمان عبارت‌اند از:

- همکاری برای جلوگیری از اعمال احساسات مذهبی در شعله‌ور شدن درگیری‌های قومی، افراط‌گرایی، جهل معنوی و بیگانه‌هراسی، تقویت صلح بین‌المللی و گفت‌وگوی بین ادیان؛
- دستیابی به اهداف اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م، از جمله مواد ۲ و ۱۸؛
- توسعه روش‌های عملی کار مشترک با مردم؛
- تقویت روابط حسنه؛
- همسایگی و مشارکت بین ادیان؛
- استقرار ارزش‌های اخلاقی سنتی و آرمان‌های وحدت و صلح در جامعه؛
- توسعه روش‌هایی برای حل مؤثر درگیری‌های موجود که از تضاد قومی و فرقه‌ای ناشی می‌شود؛
- توسعه همکاری ثمربخش با نهادهای دولتی و عمومی، مقامات دولتی، نهادهای عمومی و مذهبی و جوانان؛
- حفاظت از میراث تاریخی و خلاقانه جهان؛
- توسعه پروژه‌های بشردوستانه؛
- اتحاد رهبران معنوی و نمایندگان ادیان جهان برای همکاری متقابل در سطح جهانی؛
- استقرار اصول انصاف، مدارا، صلح و احترام در جامعه؛
- تلاش برای توسعه و پرورش فرهنگ صلح و درک متقابل بین ادیان؛ و... (<https://www.unitedreligions.org>).

بی‌تردید ورود به سازمانی با این ظرفیت، همراه با عرضه فقه اسلام که می‌تواند قوانین مهمی در حوزه‌های یادشده پیشنهاد کند، بسیار مهم خواهد بود.

۲-۳-۳. پارلمان ادیان جهان

«پارلمان ادیان جهان» (Parliament of the World's Religions) به گفته خود، با هدف ایجاد هماهنگی میان جوامع مذهبی و معنوی جهان و تقویت تعامل آنها با جهان و نهادهای هدایت‌کننده آن و به‌منظور رسیدگی به مسائل مهم عصر و دستیابی به جهانی عادلانه، صلح‌آمیز و پایدار ایجاد شده است و برای تحقق این امر، از افراد و جوامع مختلف دعوت می‌کند. پارلمان ادیان جهان یک سازمان غیردولتی بین‌المللی وابسته به دپارتمان

اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد است و مقر آن در شیکاگوی ایالات متحده آمریکاست (<https://parliamentofreligions.org/history/about>). این مجلس - به گفته خود - قدیمی‌ترین، بزرگ‌ترین و فراگیرترین گردهمایی ادیان جهان است و تا کنون شرکت‌کنندگانی از بیش از دویست عقیده مختلف مذهبی، بومی و سکولار از بیش از هشتاد کشور را به گردهمایی‌های بین‌المللی خود جذب کرده است (<https://parliamentofreligions.org/history>). پارلمان ادیان جهان، به‌جای وحدت به دنبال ترویج هماهنگی میان ادیان است و از نظر آن، ایجاد این هماهنگی هدفی دست‌یافتنی و بسیار مطلوب است؛ زیرا مستلزم احترام به سنت‌های مختلف و ویژگی‌های آنهاست. نقش پارلمان، به‌عنوان تسهیل‌کننده رویارویی بین ادیان، گفت‌وگو و اقدام مشترک است تا جوامع دینی و معنوی را برای رسیدگی به مسائل حساس تشویق و توانمند سازد. پارلمان این کار را از طرق ذیل پیگیری می‌کند:

- تلاش برای ایجاد روابط محترمانه و قابل اعتماد با هر جامعه مذهبی و معنوی؛
- ارائه الگوهایی برای رویارویی، گفت‌وگو و همکاری در درون و بین جوامع مذهبی و معنوی؛
- تشویق جوامع دینی و معنوی به توسعه منطق خود برای گفت‌وگو و همکاری میان ادیان و پرداختن به مسائل حیاتی؛
- ارائه مدل‌ها و دسترسی به تعامل خلاقانه بین دین و معنویت و سایر نهادهای راهنما (مانند دولت، تجارت و بازرگانی، آموزش، رسانه و هنر، علم و پزشکی، سازمان‌های جامعه مدنی)؛
- رساندن مسائل حساس به جوامع دینی و معنوی همراه با دیدگاه‌های مدیرانه و اطلاعات به‌روز و موثق؛
- کمک به مجامع مذهبی و معنوی فردی در توسعه دیدگاه‌های خود از آینده ممکن (<https://parliamentofreligions.org/our-work>).

ناگفته پیداست که این مجلس نیز ظرفیتی مهم برای عرض قوانین متعالی و الهی اسلام است.

۳-۳-۳. انجمن ابتکار عمل ادیان متحد

«ابتکار عمل ادیان متحد» (United Religions Initiative) یک شبکه جهانی بین ادیان است که با درگیر کردن مردم برای پل زدن از اختلافات مذهبی و فرهنگی به‌سوی همکاری با یکدیگر برای منافع جوامع و جهان، صلح و عدالت استفاده می‌کند. شبکه گروه‌های تحت رهبری URI در بیش از صد کشور جهان کار می‌کنند و گروه‌هایی از مردم را از فرهنگ‌ها، ایمان‌ها و سنت‌های مختلف گرد می‌آورند تا در کنار هم برای یک امر مشترک کار کنند (<https://www.uri.org/about>).

۳-۳-۴. سازمان جهانی ادیان و علم

«سازمان جهانی ادیان و علم» (World Organization of Religions & Knowledge) در ۲۵ اوت ۱۹۸۷م با ریاست مادام‌العمر سیدعبدالله طارق تشکیل شد و بعدها از سال ۱۹۸۸م به‌عنوان «صندوق خیریه کار» شناخته شد.

«وُرک» یک سازمان داوطلبانه است؛ همه اعضای آن داوطلباند و مطابق با نام «وُرک» به اعضا یا داوطلبان «وُرکرز» گفته می‌شود. فعالیت‌های این سازمان از بین بردن تفرقه، نفرت و تبعیض در نوع بشر است که از نظر آنان عمدتاً بر اساس مذهب، طبقه، عقیده و رنگ به وجود می‌آید. به نظر این سازمان، تنها راه اتحاد بشریت زیر چتر انسانیت، پابندی به دو اصل اتحاد بر اساس خدای واحد و نسب واحد است. در سال ۲۰۰۱م، وُرک به‌عنوان یک انجمن ثبت شد و از آن زمان تا کنون در تعداد زیادی از گفت‌وگوهای بین ادیان، هماهنگی‌های جمعی و رویدادهای مذهبی ادیان مختلف شرکت داشته یا آنها را سازمان‌دهی کرده است (<https://workglobal.in/history-of-work>).

غیر از این مراکز، هم‌اکنون مراکز و مؤسسه‌های دیگری و حتی مجلاتی تخصصی در زمینه فقه مقارن و حقوق تطبیقی در حال فعالیت‌اند که از میان آنها می‌توان به آکادمی بین‌المللی حقوق تطبیقی (International Academy of Comparative Law)، مؤسسه حقوق تطبیقی سوئیس (The Swiss Institute of Comparative Law) و مؤسسه حقوق بین‌الملل و تطبیقی بریتانیا (The British Institute of International and Comparative Law) اشاره کرد.

۳-۴. نشان دادن زیبایی تعالیم اسلام و زمینه‌سازی برای هدایت افراد

بر اساس روایات، اگر مردم با زیبایی تعالیم اسلام آشنا شوند، زمینه هدایت و پیروی آنان از این دین ایجاد می‌شود. در روایتی، هروی از امام رضا^ع نقل می‌کند که فرمودند: «خداوند رحمت کند آن بنده‌ای را که امر ما را زنده کند». هروی می‌گوید: عرض کردم: چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمودند: «علوم ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد؛ که اگر مردم زیبایی‌های گفتار ما را می‌دانستند، از ما پیروی می‌کردند» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۰۷). به نظر می‌رسد کاری که مورد نظر امام رضا^ع است، دست‌کم مشتمل بر دو امر است: ۱. انتقال سخن اسلام و پیشوایان؛ ۲. نشان دادن زیبایی و مزیت آن. در بسیاری از مواقع، این مزیت هنگامی درک می‌شود که آموزه‌های قرآن، سنت نبوی^ص و مکتب اهل‌بیت^ع با نظایرشان در شرایع و ادیان دیگر مقایسه شوند. کمال، برتری و جامعیت تعالیم اسلام، در بررسی و ارائه مقارنه‌ای این تعالیم با نظایرشان در ادیان دیگر نمایان می‌شود و از این رو چنین مقایسه‌ای مهم، آموزنده و برای مسلمانان جهان مایه مباهات و افتخار است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۵۸۷). عرصه فقه مقارن بین ادیان مجالی برای دقت‌های این‌چنینی و به‌نمایش گذاشتن تعالیم زیبای اسلام است و عدم ورود به این عرصه بستر ساز سوءبرداشت‌های ادیان از تعالیم اسلام خواهد شد.

۴. تهدیدها

نکته‌ای که نباید از نظرها دور نگاه داشته شود، اهمیت مراقبت و هوشیاری در ورود به این شاخه خطیر فقهی و فعالیت در این عرصه است. برخی از تهدیدها را می‌توان چنین برشمرد:

۱-۴ ضعف علمی

ورود موفق به عرصه فقه مقارن بین‌الادیان نیازمند برخورداری از دانش و آگاهی کافی درباره تعالیم دین خود و دیگر ادیان است؛ چراکه ضعف علمی و ناکافی بودن آگاهی سبب خواهد شد که مجالی برای تاخت‌وتاز و حمله‌های

بی‌مه‌با از سوی مخالفان فراهم شود و در آن صورت، نه‌تنها غرض و هدف ورود به این عرصه حاصل نشود؛ بلکه کار به‌عکس شود و به‌علت عدم توانایی برای ارائه و دفاع صحیح، حقایق جای خود را به مطالب و نتایج نادرست دهد و نه‌تنها فعالان این عرصه را به مقصود خود نرساند، بلکه نتایج عکس برای خود فرد (به سبب ضعف علمی و گمراه شدن) یا جامعه علمی و دینی به‌بار آورد.

۴-۲. فریبکاری هدفمند افراد یا سازمان‌ها

اگرچه دو عرصه تقریب و ورود مؤثر به سازمان‌های جدید فرصت‌های قابل توجهی را برای رفع کدورت‌ها و ترویج حقایق ایجاد می‌کند؛ اما اگر حدود و ثغور چنین اقدام‌هایی مشخص نباشد یا بدان توجه کافی نشود، ممکن است نگاه خوش‌بینانه بر دقت نظرها غلبه یابد و مجالی فراهم شود که افراد یا گروه‌ها یا حتی سازمان‌های سودجو و فریبکار فعال در این زمینه، با استفاده از قدرت سیاسی و رسانه‌ای و نفوذشان به‌طور پنهان و غیرمستقیم ضربه‌های مهلکی را بر پیکره دین حق و جوامع دینی وارد سازند. این امر ممکن است از طریق ایجاد امیدواری کاذب و مشغول کردن فعالان دینی به پیگیری نتایجی باشد که رقیبان در باطن اعتقادی به آنها ندارند و هرگز آماده پذیرش آنها نیستند یا از طریق ایجاد خوشبینی مفرط و غافل کردن افراد از توطئه‌ها و عداوت‌ها باشد.

نتیجه‌گیری

«فقه مقارن بین‌الادیان» با ماهیتی فقهی و گرایشی ادیانی می‌تواند شاخه‌ای مهم از دانش فقه برای موازنه استدلالی احکام ادیان مختلف بر اساس مطالعه مقایسه‌ای در نظر گرفته شود. در این شاخه از فقه، چنان‌که در فقه مقارن بین‌المذاهب مرسوم است، یک موضوع، مسئله یا قاعده فقهی انتخاب می‌شود و پس از مراجعه به منابع معتبر ادیان، احکام ذکرشده درباره آن، همراه با ادله مورد استناد هر دین جمع‌آوری و در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. بدیهی است که این گزارش و فعالیت علمی تلاشی برای مقایسه و موازنه میان احکام و ادله آنها خواهد بود. همچنین با توجه به مشترک بودن بعضی از منابع، اصول و قواعد میان برخی از ادیان یا دست‌کم وجود مشابهت‌هایی در این زمینه‌ها، از قبیل عقل، عرف، سیره عقلا، مصلحت، اقوال علما و مانند اینها، نه‌تنها فقه مقارن بین‌الادیان ممکن ارزیابی می‌شود؛ بلکه باور علمی بر اساس بررسی انجام‌شده این است که پرداختن به این شاخه از دانش فقه، در کنار مراقبت‌های لازم می‌تواند نقش چشمگیری در تقویت گفتمان جهانی، تقریب ادیان و فرهنگ‌ها، اصلاح قوانین، و به نمایش گذاشتن تعالیم جامع و کامل دین مبین اسلام در پیش روی جهانیان داشته باشد.

نگاهی به اهداف عالی و فرصت‌های قابل توجهی که از ورود به این عرصه برای مسلمانان به وجود می‌آید، در ضمن توجه به پیشینه اندک فقه مقارن بین‌الادیان، تردیدی در ضرورت ورود جدی مسلمانان به این عرصه، جبران برخی از کوتاهی‌های گذشته و عرضه سریع و گسترده قوانین متعالی و الهی اسلام به جوامع و فرهنگ‌های مختلف باقی نمی‌گذارد. در حوزه تقریب ادیان، پرداختن به این شاخه از فقه به سبب ظرفیت آگاهی‌بخشی و رفع یا کاهش

سوء تفاهم‌ها، کدورت‌ها و نزاع‌های میان ادیان، می‌تواند گامی بسیار مهم باشد. در حوزه حقوق بین‌الملل، فقه مقارن بین‌الادیان در صورت پیگیری صحیح می‌تواند به کشف نواقص و معایب قوانین جهانی و بهبود و اصلاح آنها کمکی شایان کند. در عرصه فعالیت‌های جهانی مسلمانان، این شاخه از فقه می‌تواند ورود آگاهانه و مقتدرانه مسلمانان به سازمان‌ها و مراکز تأثیرگذار جهانی را رقم بزند. در نهایت و مهم‌تر از همه، فقه مقارن بین‌الادیان می‌تواند سنگ بنایی مستحکم برای نشان دادن زیبایی تعالیم اسلام به‌شمار آید و امید بیشتری برای هدایت افراد ایجاد کند.

در جهان امروز که قوانین همواره در حال تکامل و توسعه هستند و توافقات و اجماعات بین‌المللی بسیار اهمیت دارند، ضرورت گسترش سطوح مختلف گفت‌وگو و آگاهی‌افزایی در جهت اتخاذ تصمیم‌های درست و اصلاح امور و هرچه نزدیک‌تر شدن به جامعه آرمانی، بر کسی پوشیده نیست. فقه مقارن بین‌الایان می‌تواند مسیری روشن برای تحقق این آرمان باشد؛ چراکه منشأ بسیاری از قوانین، تعالیم دینی است و نقطه آغاز بازتنظیم و تغییر قوانین حقوقی، بازخوانی تعالیم دین و نظام فقهی و شرعی آنهاست. فقه مقارن بین‌الادیان پیشنهادی علمی برای استفاده از روش مقایسه‌ای و مقارنه‌ای برای شناخت عمیق‌تر نظام فقهی و حقوقی جوامع، فراهم کردن بستری مناسب برای عرضه تعالیم جامع و کامل اسلام و تلاشی امیدزا برای ایجاد تعادل در سطح جهانی است. با وجود این، توجه به تهدیدهای مهمی که در این عرصه وجود دارد، کسب آمادگی علمی و مهارتی لازم برای ورود به این عرصه، هوشیاری و دقت نظر، از مهم‌ترین وظایف فعالان این حوزه برای پیشگیری از افتادن در دام فریب و توطئه است.

منابع

- آذرکشسب، موبد اردشیر و شهزادی، مهرانگیز (۱۳۹۶). *پاسخگویی به اتهامات*. تهران: فروهر (وابسته به سازمان جوانان زرتشتی).
- ابن شهید ثانی، حسن بن زین‌الدین (۱۳۹۰). *معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). *عیون‌اخبار‌الرضا* (ترجمه علی‌اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید). تهران: دار‌الکتب‌الاسلامیه.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان‌العرب*. بیروت: دار‌صادر.
- اسدی، محمدرضا (۱۳۹۸). *سیره‌اهلبیت* (در تعامل با اهل‌کتاب). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بواز، مارسل (۱۳۶۱). *اسلام در جهان امروز*. ترجمه علی مؤیدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۶). جایگاه فقه اسلامی در صحنه بین‌المللی و درخشش فقه اهل‌بیت (ع) در قوانین مدنی کشورهای اسلامی. *فروغ وحدت: فصلنامه آموزشی پژوهشی دانشگاه مذاهب اسلامی*، ۳ (۹)، ۱۹۴.
- تعالیم کلیسای کاتولیک (۱۳۹۳). ترجمه احمدرضا مفتاح و دیگران. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- جباران، محمدرضا (۱۳۹۱). درآمدی بر علم خلاف و فقه مقارن. *حبل‌المتین*، ۱ (۱)، ۶۴-۸۲.
- جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳ق). *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل‌البیت*. زیر نظر سیدمحمود هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسه دایرة‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت (ع).
- حافظ، محمد (۲۰۱۷). *المقارنات والمقابلات بین أحكام المرافعات والمعاملات والحدود فی شرع اليهود ونظائرهما من الشريعة الإسلامية الغراء ومن القانون المصری والقوانين الوضعية الأخری*. قاهره: مكتبة الثقافة الدينية.
- حسینی رودباری، سیدمصطفی (۱۳۹۲). درآمدی بر فقه مقارن. *حبل‌المتین*، ۱ (۵)، ۷۷-۵۲.
- حکیم، محمدتقی بن محمدسعید (۱۴۱۸ق). *الأصول العامة فی الفقه المقارن*. قم: مجمع جهانی اهل‌بیت (ع).
- حمدی شافی، عبدالرحمن (۲۰۱۳م). *فقه‌الادیان*. بیروت: منشورات زین‌الحقوقیه.
- حمصی، لینه (۱۳۹۳). *مسیحیت و اسلام (در قالب یک دین و شریعت‌های متفاوت)*. ترجمه شیخ محمد بالال. تهران: مؤلف.
- دو، نورمن (۲۰۱۸م). *حقوق دینی تطبیقی: یهودیت، مسیحیت، اسلام*. کمبریج: دانشگاه کمبریج.
- ربانی، محمدحسن (۱۳۹۷). *مناهج المؤلفین فی الفقه المقارن*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- ربانی، محمدحسن (۱۴۴۰ق). *مناهج المؤلفین فی الفقه المقارن*. مشهد: مؤسسه الطبع والنشر التابعة للأستانة الرضویة الاسلامیه.
- رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۹). *فقه مقارن: مقایسه‌ای بین فقه امامیه و فقه اهل سنت*. قم: ذوی‌القربی.
- شلتوت، محمود، سایس، محمدعلی و موسوی جابری، فاضل (۱۴۰۰ق). *مقارنة المذاهب فی الفقه*. قم: دانشگاه مذاهب اسلامی.
- طاهری آکردی، محمدحسین (۱۳۸۷). *پیشینه تاریخی گفت‌وگوی اسلام و مسیحیت: با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۳۰ق). *الاحتجاج*. تحقیق: ابراهیم بهادری و محمد هادی. تهران: دار‌الأسوة للطباعة و النشر.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *العدة فی اصول‌الفقه*. قم: محمدتقی علاقبندیان.
- قلعه‌جی، محمد رواس (۱۴۰۶ق). *موسوعة فقه ابراهیم‌النخعی، عصره و حیاته*. بیروت: دار‌النقائس.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تحقیق و تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار‌الکتب‌الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). *فوائد فقه مقارن*. مکتب اسلام، ۲ (۷)، ۱۷۹-۱۸۵.

- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵). *دایرةالمعارف فقه مقارن*. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۳۲ق). *موسوعة الفقه الاسلامی المقارن*. تصحیح و تنظیم: جمعی از فضلا. قم: دار النشر الإمام علی بن ابی طالب.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۳۶ق). *الإجتهد و التقليد*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نبوی، بهروز (۱۳۶۷). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: کتابخانه فردرین.
- نجفی کاشف الغطاء، علی بن محمد (بی تا). *باب مدینة العلم*. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء العامه.
- Asadi, Mohammad Reza (2019). *Biography of the Ahl al-Bayt in Interaction with the People of the Book*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Azargashasb, Mobed Ardashir and Shahzadi, Mehrangiz (2017). *Response to Accusations*. Tehran: Foruhar (Affiliated with Zoroastrian Youth Organization).
- Biazaar Shirazi, Abdul Karim (2007). Position of Islamic Jurisprudence in the International Arena and the Brilliance of Ahl al-Bayt Jurisprudence in Civil Laws of Islamic Countries. *Forugh-e Vahdat: Educational Research Quarterly of University of Islamic Denominations*, 3(9), 4-19.
- Boazier, Marcel (1982). *Islam in Today's World*. Translation by Ali Mo'idi. Tehran: Office of Islamic Culture Publications.
- Catholic Church Teachings (2014). *Translation by Ahmad Reza Meftah et al*. Qom: University of Religious Denominations.
- Don, Norman (2018). *Comparative Religious Law: Judaism, Christianity, Islam*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Group of Researchers (2002). *Encyclopedia of Islamic Jurisprudence According to the School of Ahl al-Bayt*. Under supervision of Sayyid Mahmoud Hashemi Shahroudi. Qom: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia of Ahl al-Bayt School.
- Hafez, Muhammad (2017). *Comparative Studies and Comparisons between Procedural and Transactional Rulings and Boundaries in Jewish Law and Their Counterparts in Islamic Sharia and Egyptian Law and Other Positive Laws*. Cairo: Maktabat al-Thaqafat al-Diniyah.
- Hakim, Muhammad Taqi bin Muhammad Saeed (1997). *General Principles in Comparative Jurisprudence*. Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt.
- Hamdi Shafi, Abdulrahman (2013). *Jurisprudence of Religions*. Beirut: Manshourat Zain al-Huquqiyah.
- Homsy, Lina (2014). *Christianity and Islam (in the Form of One Religion and Different Shari'ahs)*. Translation by Sheikh Muhammad Balal. Tehran: Author.
- Hosseini Rodbari, Sayyid Mostafa (2013). Introduction to Comparative Jurisprudence. *Habil al-Matin*, 1(5), 52-77.
- Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali (2006). *Uyoun Akhbar al-Rida*. Translation by Ali Akbar Ghaffari and Hamid Reza Mostafid. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Ibn Manzur, Muhammad bin Makram (1993). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Shahid Thani, Hasan bin Zaynoddin (2011). *Ma'alim al-Din wa Maladh al-Mujtahidin*. Qom: Office of Islamic Publications.
- Jabbaran, Mohammad Reza (2012). Introduction to Comparative Jurisprudence and Comparative Fiqh. *Habil al-Matin*, 1(1), 64-82.

- Kulayni, Muhammad bin Ya'qub (1986). *Al-Kafi*. Research and correction by Ali Akbar Ghaffari and Muhammad Akhoundi. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Makarem Shirazi, Naser (2003). Benefits of Comparative Jurisprudence. *Maktab Islam*, 2(7), 179-185.
- Makarem Shirazi, Naser (2009). *Encyclopedia of Comparative Islamic Jurisprudence*. Correction and organization by group of scholars. Qom: Dar al-Nashr al-Imam Ali bin Abi Talib.
- Makarem Shirazi, Naser and Group of Authors (2006). *Encyclopedia of Comparative Jurisprudence*. Qom: School of Imam Ali bin Abi Talib.
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhollah (2005). *Ijtihad and Taqlid*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhollah (2010). *Sahifeh Imam*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Najafi Kashif al-Ghita, Ali bin Muhammad (Undated). *Bab Madinat al-'Ilm*. Najaf al-Ashraf: Kashif al-Ghita General Foundation.
- Navvabi, Behrouz (1988). *Introduction to Research Methodology in Social Sciences*. Tehran: Farvardin Library.
- Qalahji, Muhammad Rawas (1985). *Encyclopedia of Ibrahim al-Nakha'i's Jurisprudence, His Era and Life*. Beirut: Dar al-Nafa'is.
- Rabbani, Mohammad Hasan (2018). *Methods of Comparative Jurisprudence Authors*. Mashhad: Islamic Research Assembly.
- Rabbani, Mohammad Hasan (2019). *Methods of Comparative Jurisprudence Authors*. Mashhad: Publishing Institute of Razavi Islamic Shrine.
- Razavani, Ali Asghar (2010). *Comparative Jurisprudence: A Comparative Study between Imami and Sunni Jurisprudence*. Qom: Zawi al-Qurba.
- Shaltut, Mahmoud, Sayis, Muhammad Ali and Mousavi Jaber, Fazel (1979). *Comparison of Schools in Jurisprudence*. Qom: University of Islamic Denominations.
- Tabarsi, Ahmad bin Ali (2009). *Al-Ihtijaj*. Research by Ibrahim Bahadori and Mohammad Hadi Beh. Tehran: Dar al-Aswa for Printing and Publishing.
- Taheri Akardi, Mohammad Hussein (2008). *Historical Background of Islam-Christianity Dialogue: Emphasizing Shi'a and Catholic Views*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Tusi, Muhammad bin Hasan (1996). *Al-Uddah fi Usul al-Fiqh*. Qom: Muhammad Taqi Alaqbandian.

English

- Chanes, Jerome A. (2004). *Antisemitism: A Reference Handbook*. London: Bloomsbury Publishing.
- Doe, Norman (2018). *Comparative Religious Law: Judaism, Christianity, Islam*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Dundes, Alan (1991). *The Blood Libel Legend: A Casebook in Anti-Semitic Folklore*. Wisconsin, University of Wisconsin Press.
- Ewald, William (1995). Comparative Jurisprudence (I): What Was It likes to try a Rat?. *Law Review (University of Pennsylvania)*, 143, 1889-2149.
- Ewald, William (1995). Comparative Jurisprudence (II): The Logic of Legal Transplants. *The American Journal of Comparative Law, Oxford University Press*, 43(4), 489-510.

- Ewald, William (1998). The Jurisprudential Approach to Comparative Law: A Field Guide to “Rats”. *The American Journal of Comparative Law*, 46(4), 701–707.
- Goldish, Matt (2008). *Jewish Questions: Responsa on Sephardic Life in the Early Modern Period*. Princeton, Princeton University Press.
- Gottheil, Richard & Strack, Hermann L. & Jacobs, Joseph (1901–1906). Blood Accusation; Jewish Encyclopedia. New York: Funk & Wagnalls.
- Samuel, Geoffrey (1998). Comparative Law and Jurisprudence. *International & Comparative Law Quarterly*, 47(4), 817-836.
- Tourkochoriti, Ioanna (2017). *Comparative Rights Jurisprudence: An Essay on Methodologies. Law and Method*. Netherlands, Netherlands.
- Turvey, Brent E. (2008). *Criminal Profiling: An Introduction to Behavioral Evidence Analysis*. Waltham, Academic Press.
- Twining, W. (2007). *Globalisation and Comparative Law*. Oxford, Hart Publishing.
- Zeitlin, S. (1996). The Blood Accusation. *Vigiliae Christianae*, 50(2), 117–124.
- <https://parliamentofreligions.org>.
- <https://workglobal.in>.
- <https://www.bjutijdschriften.nl>.
- <https://www.unitedreligions.org>.
- <https://www.uri.org>.
- <https://www.britannica.com>.
- <https://blog.ipleaders.in/importance-of-comparative-legal-studies>.

An Analytical Study of the Decline of the Catholic Church in Latin America During the Colonial Period (1700–1808 AD)

✉ **Seyyed Mohammadreza Miryousefi**  / Assistant Professor, Department of Mysticism and Religions, The Imam Khomeini Institute for Education and Research
miryousefi@iki.ac.ir
Seyyed Hasan Hosseini Amini / Graduate of Qom Seminary
hasan.hosainiamini@gmail.com
Received: 2025/02/18 - **Accepted:** 2025/05/03

Abstract

Latin America is the most populous Christian region globally. The 15th century saw the arrival of the conquerors in the Latin American region. Political, social, and religious imperatives created the need for a relationship with Latin American Christianity. Developing and deepening this relationship and creating interaction requires a detailed understanding of the culture, civilization, and religion of that area. On the other hand, contemporary Christianity has been shaped along the lines of colonial Christianity; for this reason, understanding contemporary Latin American Christianity requires examining its colonial roots. The Catholic Church underwent phases of evangelization, consolidation, and decline. The third phase (decline, 1700–1808) is critical, as it led to the Church's loss of political dominance, the rise of secular governance, and Protestant incursions. This study analyzes the external factors behind the Church's decline, including the weakening of papal authority and diminishing influence of the catholic church in Spain, and internal factors such as Church violence in dealing with opponents and church disputes in Latin America. Using a descriptive-analytical method and written sources, this library research highlights how these factors eroded Catholic hegemony in Latin America.

Keywords: Christianity, Church, Spanish Catholicism, Latin America.

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی تحلیلی تضعیف کلیسای کاتولیک در آمریکای لاتین در دوران استعمار (۱۷۰۰-۱۸۰۸م)

✉ سیدمحمد رضا میریوسفی  / استادیار گروه ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
miryousefi@iki.ac.ir

hasan.hosainiamini@gmail.com

سیدحسن حسینی امینی / دانش آموخته حوزه علمیه قم

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

چکیده

آمریکای لاتین پرجمعیت‌ترین منطقه مسیحی‌نشین دنیاست. مسیحیت در قرن پانزدهم با ورود فاتحان به منطقه آمریکای لاتین وارد شد. ضرورت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی، اقتضای ارتباط با مسیحیت آمریکای لاتین را ایجاد کرده است. توسعه و تعمیق این رابطه و ایجاد تعامل، نیازمند شناخت دقیق از فرهنگ و تمدن و دین آن سرزمین است. ازسوی دیگر، مسیحیت معاصر در امتداد مسیحیت دوران استعمار شکل گرفته است؛ به همین دلیل برای فهم کلیسای معاصر چاره‌ای جز فهم کلیسا در دوران استعمار نداریم. کلیسای کاتولیک از آغاز ورود تا به امروز دوره‌های مختلفی (ورود و مسیحی‌سازی، تثبیت و تضعیف) را پشت سر گذاشته است. دوره سوم (دوره تضعیف) از اهمیت زیادی برخوردار است؛ چون در این دوره با تضعیف کلیسا، ازیک‌سو کلیسا حاکمیت سیاسی خود بر این مناطق را از دست داد و ازسوی دیگر زمینه شکل‌گیری حکومت‌های سکولار و ورود جریان‌های پروتستان به منطقه فراهم آمد. ما در این تحقیق به بررسی ریشه‌ها و عوامل تضعیف کلیسای کاتولیک در آمریکای لاتین می‌پردازیم. علل تضعیف کلیسای کاتولیک به‌صورت کلی به علت‌های بیرونی (تضعیف پاپ و تضعیف کلیسای کاتولیک در اسپانیا) و علت‌های درونی (خسونت کلیسا در برخورد با مخالفان و اختلافات داخلی کلیسا در آمریکای لاتین) تقسیم می‌شود. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق، کتابخانه‌ای است و با استفاده از اسناد نوشتاری انجام شده است. روش داده‌پردازی اطلاعات نیز توصیفی و تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: مسیحیت، کلیسا، کاتولیک اسپانیایی، آمریکای لاتین.

آمریکای لاتین (America Latino) بیش از یک میلیارد نفر جمعیت دارد که نود درصد جمعیت آن را مسیحیان تشکیل داده‌اند؛ از این رو این سرزمین پرجمعیت‌ترین منطقه مسیحی‌نشین دنیاست. مسیحیت پانصد سال سابقه حضور در این قاره را دارد. به کشورهای قاره آمریکا که زبان‌هایشان از زبان‌های لاتین (مانند اسپانیایی، پرتغالی و فرانسوی) منشأ گرفته‌اند، «آمریکای لاتین» می‌گویند، این منطقه شامل حدود ۲۰ کشور است. بیشترین مسیحیان آمریکای لاتین کاتولیک هستند. تحلیلی از تاریخ کلیسای کاتولیک و ارائه سیر کلی از تاریخ کلیسای کاتولیک رومی در دوره استعمار بسیار مشکل است. برخی از پژوهشگران تاریخ کلیسای کاتولیک، مانند ریچارد گرین لیف (کلیسای کاتولیک روم، ۱۹۷۱، ص ۱) به این دشواری اذعان کرده‌اند. مطالعات آمریکای لاتین، به‌ویژه مطالعات کلیسای کاتولیک، برای ما بسیار اهمیت دارد؛ چون از یک سو منطقه آمریکای لاتین به‌عنوان عمق راهبردی جمهوری اسلامی معرفی شده است و از سوی دیگر نوع مردم آمریکای لاتین به علت داشتن روحیه‌های دینی و انقلابی، علاقه‌مند به ایجاد ارتباط با جمهوری اسلامی هستند. بنابراین توسعه و تعمیق این رابطه نیازمند شناخت دقیق از فرهنگ و تمدن و دین آن سرزمین است. دوره‌های حیات مسیحیت کاتولیک در آمریکای لاتین را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره ورود مسیحیت به آمریکای لاتین و مسیحی‌سازی بومیان؛ دوره تثبیت مسیحیت کاتولیک و دوره تضعیف مسیحیت کاتولیک. مسیحیت بعد از ورودش در قرن پانزدهم میلادی توانست پس از چند دهه بر اکثر مناطق آمریکای لاتین حاکم شود. این در حالی بود که تمدن‌های بومی منطقه آمریکای لاتین تاریخی چند هزار ساله داشتند. کلیسای کاتولیک پای توانست با حمایت پادشاهان اسپانیا، با اولین فاتحان آمریکای لاتین وارد این مناطق شود و به کمک فعالیت‌های فرقه‌های رهبانی و نابود کردن تمدن سرخ‌پوستی جایگاه خود را تثبیت کند؛ اما کلیسای کاتولیک بعد از سه قرن حاکمیت بلامنازع خود بر آمریکای لاتین وارد دوره تضعیف شد. سؤال اصلی این پژوهش این است که چه عواملی سبب تضعیف کلیسای کاتولیک آمریکای لاتین در دوران استعمار شد؟ این تضعیف چه آثار و نتایجی به همراه داشت؟ بررسی تحلیلی تضعیف کلیسا به دو دلیل برای ما اهمیت دارد: از یک سو با تحلیل علل ضعف‌ها می‌توان به توصیه‌هایی در حوزه روش تبلیغ و تعامل با مسیحیان و بومیان آمریکای لاتین دست یافت؛ از سوی دیگر شناخت نقاط ضعف کاتولیک، درحقیقت روش‌های تعامل با کلیسا در آمریکای لاتین را مشخص می‌کند. امروزه اونجلیک‌ها با تقویت همین نقاط ضعف کاتولیک توانسته‌اند به شکل خارق‌العاده‌ای حضور خود را در مناطق لاتین توسعه دهند.

کتاب‌های زیادی توسط تاریخ‌نگاران برجسته آمریکای لاتین به زبان اسپانیولی و پرتغالی در حوزه تاریخ کلیسای کاتولیک و تاریخ آمریکای لاتین نوشته شده است، که برخی از آنها به زبان فرانسوی و انگلیسی ترجمه شده‌اند. از جمله آنها، مجموعه مقالات استادان تاریخ آمریکای لاتین در دانشگاه‌های اسپانیاست که درباره تاریخ کلیسا در آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۱م با عنوان *تاریخ کلیسای کاتولیک در آمریکای لاتین و فیلیپین* با اشراف پدرو بورخس چاپ شده است. از میان آثار معروف دیگر می‌توان به کتاب *تاریخ عمومی کلیسا در آمریکای لاتین*، نوشته کشیش الهیات رهایی‌بخش، انریکه داسل، اشاره کرد که به‌صورت مفصل به این مسئله پرداخته است.